فرمانده انتظامی مشهد در حاشیه بازدید سرزده از ۲ کلانتری بیان کرد

مأموریت‌های سر کلانتری غرب مشهد؛ بیش از ۲ استان

۱۰۵هزار مأموریت ۱۱۰ در ۱۵۰ روز نخست امسال تنها از سوی کلانتری قاسم‌آباد و الهیه انجام شده است

مهدی قرآنی

گزارش

ساعت ۲۲ شامگاه پنجشنبه‌رانشان‌می‌داد. سروصدای دوهمسایه به‌دلیل اختلاف قدیمی فضای کلانتری قاسم‌آباد را برداشته بود. در این لحظه خودرو فرماندهی انتظامی مشهد مقابل درورودی کلانتری متوقف شد. از آنجا که قرار بود بازدید سرزده از این مجموعه انتظامی صورت بگیرد، سرهنگ احمد نگهبان بلافاصله پا به کلانتری قاسم‌آباد گذاشت.

در همان بدو ورود دو زن همسایه که اختلافی با یکدیگر داشتند به سراغ رئیس پلیس مشهد رفته و طرح موضوع کردند. در ادامه با میانجیگری سرهنگ نگهبان این پرونده به صلح و سازش ختم شد و این افراد نیز به واحد مددکاری کلانتری معرفی شدند.

در این بین رئیس کلانتری ضمن ارائه گزارش کار، خبر از دستگیری سارقی در منطقه داد که سیم و کابل تلفن ۵۰۰ خانوار را قطع کرده بود. این فرد که از سارقان سابقه‌دار است در یک اقدام اطلاعاتی ردزنی و دستگیر شده بود. به گفته سرهنگ معطری، رئیس کلانتری قاسم‌آباد عموما سارقان دستگیر شده به بیش از ۶۰ فقره سرقت اعتراف می‌کنند. سرهنگ معطری در اعلام گزارش کار خود به رئیس پلیس مشهد، از دستگیری یک گوشی قاپ در حوزه استحفاظی خود خبر داد و بیان کرد که تاکنون این فرد به ۱۴ فقره گوشی قاپی اعتراف کرده است.

سرقت‌های پدر و پسری

ساعت ۲۳:۱۵ را نشان می‌داد که سرهنگ نگهبان برای ادامه بازدید سرزده، کلانتری قاسم‌آباد را ترک کرد و راهی دومین کلانتری شد. بعد از طی شدن چند خیابان اصلی و فرعی، خودرو رئیس پلیس مشهد مقابل کلانتری الهیه متوقف شد.

رئیس کلانتری و تیم اجرایی که گویا از حضور رئیس پلیس مشهد مطلع شده بودند در حیاط به خط ایستادند. در همان بدو ورود سرهنگ عابدی رئیس کلانتری الهیه به استقبال سرهنگ نگهبان آمد و گزارشی از اقدامات ۲۴ ساعته همکارانش را ارائه داد. بنا به گفته سرهنگ عابدی روزانه ۷۵۰ تماس صدودهی با این کلانتری گرفته می‌شود.

مأموران این کلانتری اما چند ساعت قبل از حضور رئیس پلیس مشهد چهار سارق سابقه‌دار را شناسایی و دستگیر کرده بودند. دو تن از این سارقان پدر و پسری جوان بودند که کارشان خسارت زدن به خودروهای مردم و دستبرد به آن‌ها بود. دیگر متهم به دام افتاده از جمع چهارنفره، سارق یک دستگاه موتورسیکلت آپاچی بود که مأموران در اقدامی غافل‌گیرانه و قراری صوری این مرد حدود ۳۵ ساله را دستگیر کرده بودند. متهم از طریق دستگاه ردیابی که مالک موتورسیکلت بر روی آن نصب کرده ردزنی و به دام افتاده بود.

طرح بازدید سرزده از کلانتری‌ها با قدرت ادامه خواهد داشت

ساعت از ۳۰ دقیقه بامداد گذشته بود که این مأموریت پلیسی خاتمه یافت. در حاشیه این بازدید سرزده از کلانتری‌های قاسم‌آباد و الهیه رئیس پلیس مشهد ضمن تأکید بر ادامه‌دار بودن این طرح، بیان کرد: هدف از اجرای این مأموریت‌ها اطلاع از اقدامات نیروهای کلانتری در شبانه‌روز و ارزیابی کیفی و کمی آن‌هاست. این طرح جزو برنامه‌ها و اولویت‌های حوزه فرماندهی است و برنامه‌ریزی شده تا در ساعت‌های مختلف روز از ۷ تا ۱۲ و یا برعکس از کلانتری‌ها و پاسگاه‌های سطح شهر مشهد بازدید شود.

سرهنگ احمد نگهبان افزود: در این بازدیدها نحوه خدمت‌رسانی به مردم و پاسخگویی به ارباب رجوع، میزان هوشیاری واحدهای گشتی، آماده به کار بودن نیروهای عملیاتی کلانتری‌ها و نحوه خدمات‌رسانی پلیس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

این مقام ارشد انتظامی مشهد تأکید کرد: سامانه ۱۱۰ تنها برای اعلام فوریت‌های پلیسی است و از شهروندان درخواست می‌شود که برای مواردی نظیر گزارش‌های پیشگیرانه و طرح انتقاد، پیشنهاد و شکایت با شماره ۱۹۷ تماس بگیرند.

سرهنگ نگهبان، با اشاره به اهمیت دو کلانتری بازدید شده در شهر مشهد اظهار کرد: تماس‌های صدودهی با سرکلانتری غرب مشهد امروز برابری می‌کند با تماس‌های ۱۱۰ دو استان خراسان شمالی و جنوبی. این موضوع بدین معناست که تماس با فوریت‌های پلیسی دو استان ذکر شده روزانه ۷۵۰ مورد است و این میزان در سرکلانتری غرب روزانه ۸۱۰ مورد می‌باشد.

فرمانده انتظامی مشهد در ادامه به ارائه گزارش عملکرد پلیس مشهد در ۱۵۰ روز نخست امسال اشاره کرد و گفت: در این مدت خوشبختانه در حوزه سرقت‌های مهم از جمله سرقت مسلحانه، سرقت از خانه، سرقت از مغازه روند کنترلی و کاهشی داشته‌ایم. اما متأسفانه در حوزه سرقت‌های خرد روند افزایشی بوده است.

سرهنگ نگهبان ادامه داد: طبق بررسی‌های صورت گرفته درباره سارقان و مجرمان ۴۰ درصد از سارقان دستگیر شده در این مدت سابقه‌دار هستند و ۴۷ درصد از مجرمان نیز بدون سابقه کیفری و به اصطلاح جرم اولی هستند. در حوزه مواد مخدر در پنج ماه نخست امسال نیز ۳۲ درصد افزایش کشفیات و در حوزه سرقت ۲۷ درصد افزایش دستگیری داشته‌ایم.

اگرچه دستگیری‌ها در حوزه سارقان گوشی روند افزایشی دارد اما متأسفانه در کشف گوشی تلفن همراه توفیقی نداشته‌ایم چرا که سارقان بلافاصله گوشی را در اختیار مال خر گذاشته و این افراد نیز تلفن‌های همراه را از کشور خارج می‌کنند. در زمینه طرح‌های امنیت محله‌محور نیز با همکاری و همراهی دستگاه قضایی، بهزیستی و شهرداری از ابتدای امسال تاکنون ۹ هزار معتاد متجاهر جمع‌آوری و در اختیار کمپ‌های ترک اعتیاد قرار گرفته‌اند و در حوزه دستگیری خرده‌فروشان مواد مخدر ۳ درصد افزایش داشته‌ایم.

رئیس پلیس مشهد در پایان به حوزه جرائم جنایی اشاره کرد و گفت: در این مدت تاکنون ۴۲ فقره قتل در شهر مشهد اتفاق افتاده است که با تلاش عوامل پلیس همگی به کشف جرم و دستگیری متهم یا متهمان منجر شده است.

روزانه ۲۰ پرونده به صلح و سازش ختم می‌شود

سرهنگ عبدالهی، سرکلانتر غرب نیز که از ابتدای این طرح همراه فرمانده انتظامی مشهد بود با اشاره به ظرفیت‌های پلیسی موجود در این منطقه بیان کرد: تراکم جمعیتی در حوزه استحفاظی سرکلانتری غرب مشهد بالغ بر یک میلیون و ۵۰ هزار نفر است که این رقم از میزان چند استان بیشتر می‌باشد. این سرکلانتری ۱۰ کلانتری و پاسگاه را زیر مجموعه خود دارد که از ابتدای امسال ۱۰۵ هزار تماس به ۱۱۰ داشته است. طبق بررسی‌های صورت گرفته روزانه ۱۳۰ خبر به صورت روزانه به این حوزه اعلام و به طور میانگین هر یک و نیم دقیقه مأموران گشتی وارد عملیات صدودهی می‌شوند. در یک هفته اخیر تاکنون ۴۶ سارق در این حوزه دستگیر شده و به مراجع قضایی تحویل داده شده‌اند.

این مقام انتظامی ادامه داد: خوشبختانه روزانه ۲۰ پرونده به واحد مددکاری دو کلانتری قاسم‌آباد و الهیه ارجاع داده می‌شود که همگی به صلح و سازش ختم می‌شوند.

عکس: رسول کارگر | شهرآرا

خبر

غرق‌شدن ۲ نفر در سانحه رانندگی

مهر| روز گذشته در محور دماوند به فیروزکوه یک خودرو سایانا به دلایلی نامعلوم درون یک استخر ذخیره آب کشاورزی در حاشیه جاده سقوط کرد. در این سانحه سه نفر از سرنشینان خودرو به بیرون پرتاب شدند. از این سه نفر، دو نفر مصدوم و یک نفر فوت کرد. راننده و یکی دیگر از سرنشینان خودرو نیز به علت آسیب شدید و محبوس شدن درون خودرو فرصت نجات جان خود را نداشتند که بر اثر خفگی در آب جان خود را از دست دادند.

۷ کشته در ۲ تصادف معمولی!

ایرنا| اینکه یک خودرو پژو پارس به هر دلیلی واژگون شود، چندان اهمیت ندارد. اما اینکه در همین حادثه متأسفانه پنج نفر از شش سرنشین کشته شوند، جای تأمل و نگرانی است، به‌خصوص که این بار دیگر پای پراید هم درمیان نبوده است. این حادثه صبح جمعه در محور کهنوج - جیرفت حوالی نیروگاه برق کهنوج در جنوب استان کرمان رخ داد. در حادثه هم‌زمان بعدی دو موتورسیکلت در اتفاقی نادر با یکدیگر برخورد کردند. این حادثه نیز در منطقه رَمِشک از توابع شهرستان قلعه‌گنج رخ داد که دو نفر کشته و دو نفر مصدوم شدند.

بهای سنگین برای مهاجرت خیالی به ترکیه

پایگاه خبری پلیس| ۲۰۰ نفر بودند و ۲۰ میلیارد تومان برای مهاجرت تحصیلی-اقامتی به ترکیه پرداخته بودند. اما نه تنها این اتفاق نیفتاده بود، بلکه بعد از شکایت و پیگیری‌های کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت مشخص شد، یک کلاهبردار روی دیوار اعتماد آن‌ها بندبازی کرده است. با شکایت متعدد دانشجویان و تحقیقات پلیسی، مخفیگاه متهم در غرب تهران شناسایی و این فرد دستگیر شد. هم‌زمان با اقرار متهم به جرم‌هایش، شگرد او که پهن کردن دامی پرفریب در قالب آگهی تبلیغاتی در فضای مجازی بود نیز کشف شد.

فروش دلار ترک موتور

خبرگزاری پلیس| هنگام دستگیر شدن در بازرسی بدنی از متهم ۵۴ هزار و ۳۰۰ قطعه دلار قاچاق حدود ۱,۵ میلیارد تومان از او کشف شد. او متهم به فروش موتوری دلارهای قاچاق به صورت گسترده در شمال شهر تهران بود، موضوعی که شهروندان به ترددهای گاه و بیگاه متهم مشکوک شده و پلیس را در جریان گذاشته بودند. این فرد بدون داشتن هیچ مستندی که نشان دهد ارزهای خارجی را قانونی تهیه کرده است، باید به اتهام ورود غیرقانونی ارز به کشور پاسخ دهد.

زورگیر بزرگراه نیایش در انتهای راه

صداوسیما| فکر نمی‌کرد که به همین راحتی دستگیر شود. او با انتخاب بزرگراه نیایش تهران که روزانه صدها خودرو در آن ترافیک گرفتار هستند، خودروزنی جوان را انتخاب کرده و با قمه‌ای بزرگ به سراغ زن بینوا رفته و در روز روشن وسط پایتخت گوشی‌اش را زورگیری کرده بود. ویدئوی این سرقت از پربازدیدهای فضای مجازی بود که واکنش سریع پلیس را هم به‌دنبال داشت. کارآگاهان پلیس آگاهی تهران، پس از شناسایی هویت و مخفیگاه متهم در جنوب تهران او را دستگیر کردند.

جدول ۳۵۴۸

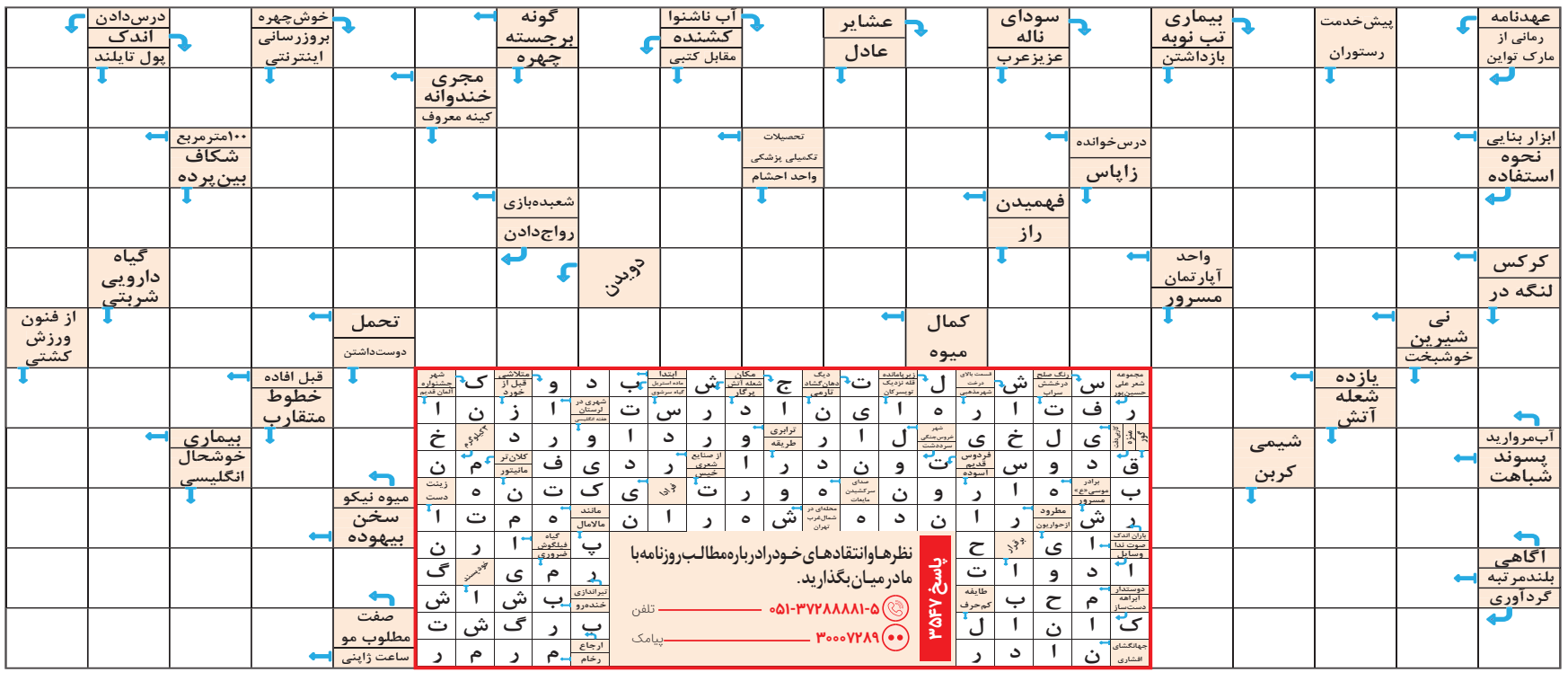

صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

نحوه تقسیم ارث؛ سهم پسران از طلای شخص متوفی

فرزانه عمادی| طبق قانون وراثت، طلا و زیورآلات به جامانده از شخص متوفی جزو اموالی است که تقسیم آن باید به صورت قانونی و بر اساس طبقات ارث انجام شود. طلا و زیورآلات به جامانده از شخص متوفی به لحاظ اینکه مورد استفاده زنان قرار می‌گیرد در زمان تقسیم ارثیه به فرزندان دختر شخص فوت شده تحویل داده می‌شود که این نوع تقسیم‌بندی ریشه در عرف جامعه دارد اما به لحاظ قانونی طلا نیز مانند دیگر اموال به جامانده از شخص متوفی بین همه وراث قابل تقسیم می‌باشد.

آنچه که امروزه در دادگاه‌ها شاهد آن هستیم اختلافات میان ورثه در نحوه تقسیم ارثیه بین فرزندان می‌باشد زیرا بعضی از فرزندان به دلیل دسترسی راحتی که به اموال مادر خصوصا طلاهای او دارند اقدام به فروش آن اموال بدون رضایت باقی ورثه می‌کنند که این عمل جدای از اختلافات خانوادگی، آثار کیفری هم دارد. حتی اگر مادر در زمان حیات وصیت کرده باشد و طلاهای خود را به دختران خود سپرده باشد این وصیت نامه فقط برای یک سوم طلاهای ایشان قابل رسیدگی است و بقیه طلاها به وراث دیگر می‌رسد.

در مرحله تحریر ترکه یعنی فهرست کردن اموال متوفی، طلای مادر باید در زمره اموال منقول به جامانده از متوفی وارد شود. در غیر این صورت وراث دیگر می‌توانند از تصاحب کننده به عنوان کلاهبردار در محاکم قضایی شکایت کنند.

داستان پلیسی

یک کیک برای سوگواری (قسمت اول)

ایلیاموسایی| جوانکی که بسته را آورده بود چیزی توضیح نداد. مینوخانم همانجا دم در تحویلش گرفت و با خودش فکر کرد حتما پیک موتوری است چون یک کلاه کاسکت زرد روی سرش داشت ولی مینوخانم هرچه از پنجره سرک کشید فقط عبور و مرور هر روزه را دید و خبری از موتور و جوانک با کلاه کاسکتش نشد. یک بسته بزرگ بود شبیه بغچه که با یک روبان بنفش ساتن آن را بسته بودند. توی آشپزخانه بازش کرد و دید که یک کیک خامه‌ای با تکه‌های میوه است. یک کارت هم بود: «تولدت مبارک مامان. با عشق» قلب مینوخانم از کارت و کیک پر کشید اما با خودش فکر کرد تولدش دو ماه پیش بوده! کیک را روی دست گرفت و تا دریخچال را باز کرد یک لحظه روی دستش لنبر خورد و با صورت افتاد روی کف آشپزخانه. صدای شف‌مانندی داد که معلوم شد خامه‌های لزجش درست‌وحسابی چسبیده‌اند به سرامیک‌ها. مینوخانم مات ایستاده بود و به کیک نگاه می‌کرد که یک توده بیضی‌شکل از خامه و تکه‌های میوه بود.

دختر کوچکش مژگان وقتی از دانشگاه آمد. مادر را دید که روی صندلی آشپزخانه نشسته و سرش را با دو دست گرفته. از همانجا داد زد «ماماااان» ولی جوابی نگرفت. لباس‌هایش را که عوض کرد اول مادرش را از پشت توی بغل گرفت. گفت «خدا مرگم بده. چی شده مامان؟» مینوخانم با سابه نوک دماغش را اینور آنور کرد. گفت چیزی نیست. روی میز توده بی‌ریخت خامه روی قالب پلاستیکی گرد جمع شده بود. «این چیه مامان؟» مینوخانم با صدای گرفته گفت «چه می‌دونم. پست آورد» «کیک تولده که!» «نه فکر کردی هلیکوپتره» مینوخانم همیشه همین طوری جواب کنایه‌دار می‌داد. حالا مژگان بالای سر آن توده ایستاده بود و داشت کارت را می‌خواند. «اوه اوه اوه... باااا عششششق» مینوخانم اشک ریخت و دوباره پیشانی‌اش را تکیه داد به ستون دستش. گفت «حتما اشتباهی آورده...» مژگان گفت «شاید» «گفتم یه نصف روز مرخصی گرفتم استراحت کنم. دیدم پست اینو آورد. فکر کردم یه نشونه است. نمی‌دونم چرا یهو به همین دلم خوش شد. دلم خواست نگهش دارم حتی اگه اشتباهی باشه... ولی از دستم افتاد... بخت و اقبال ندارم» مژگان کارت را گذاشت روی میز «این چه حرفیه ماماااان!» «الکی که نمی‌گم» «من قربونت برم الهی» «چهارتا بچه دارم یک کدومشون بگو حالمو بپرسه... تولد گرفتن پیشکش» مژگان دوباره مادرش را بغل کرد. بعد رفت که پنجره آشپزخانه را باز کند. مینوخانم گفت «ولش کن دوباره بو راه افتاده» «ای بابا... از همین طبقه پایینه دوباره؟» «چه می‌دونم... ماه قبل که خفه‌مون کرده بود» مژگان از آشپزخانه رفت بیرون. گفت «من به همه زنگ می‌زنم امشب بیان اینجا» مینوخانم داد زد «به خدا اگه بگی من می‌دونم و تو» مژگان دستی توی هوا تکان داد. گفت «بعد نگی نگفتی و آماده نبودی» مینوخانم صدایش را بلند کرد که به مژگان برسد «بچه که نیستم» صدای ضعیف مژگان از توی اتاق تا اینجا می‌رسید «به هرحال من زنگ می‌زنم»

شب همه آمده بودند. نوه‌ها دنبال هم می‌دویدند و خانه را روی سرشان گذاشته بودند. یک کیک تولد بزرگ روی میز گذاشته بودند و چند شمع توی خامه‌ها فرو کرده بودند. مژگان آمد توی آشپزخانه. به مینوخانم گفت «ماماااان دو دقیقه بشین دیگه... همه منتظرتن» مینوخانم داشت تندوتند لیوان‌ها را می‌شست و پرصدا توی آبچکان می‌چید. انگار نه انگار صدای مژگان را شنیده باشد. مژگان گفت «ماماااان پنجره باز بود و باد ملایمی که می‌آمد بوی تعفنی را همراه خودش می‌آورد تو. مژگان گفت «پیییف... این دفعه که خیلی ناجوره» مینوخانم گفت «باز نمی‌دونم حتما یکی از گربه‌هاش مرده» مژگان گفت «دفعه قبل چی بود؟» «گربه بود دیگه. عین این بچه‌های ده ساله توی باغچه چالش کرده بود... حالا بگو زن شصت ساله رو چه به این کارا!» مژگان گفت «بعدش چی شد که بو راه افتاد؟» مینوخانم گفت «سگ همین دختره، دستش به سمت گوشه‌ای از سقف اشاره کرد «همون پشمالوه... بو کشیده بود حتما. کله صبح خاک باغچه رو کنده بود و جسدگربه رو آورد بیرون. خانمه از بالا تماشا می‌کرد و جیغ می‌کشید» مژگان گفت «خداااا» مینوخانم اضافه کرد «یه وضعی... بعدش معلوم شد جسد و برده توی بوته‌ها. هنوز بوش تو دماغمه... ساختمون که نیست. دیوونه خونه‌ست» مژگان گفت «تنهاست؟» «بچه‌هاش همه خارجن. اینم آخر عمری تنها مونده. با همین جک و جونور سر خودشو گرم کرده... خدا می‌دونه چندتا گربه داره»